



## منوچهر شبیانی

نقاش و شاعر

فیلمبرداری خواص قابل تبدیل بودن صدا و تصویر، برای نقاشان و موسیقی دانان غیرقابل درک بود و دیواری عظیم آنها را از هم جدا میکرد.

ولی با این وجود چون درحقیقت تصویر و صدا، کودکان همزاد هنر بودند، در بک دامن پرورش می یافتند و حتی از هم تغذیه میکردند.

قدیمترین هنر تصویری بشر اولیه هنرهای تزئینی است. نقوشی است که بر دیوار غارها و بدنه بشقاب ها و کاسه و کوزه های زمانهای باستانی دیده میشود. در یکی از نقاشیهای دیواری غارها که در منطقه شمالی اسپانی کشف شده و از قدیمترین آثار هنر تصویری است، نمایش دهنده صحنه های شکار حیوانات وحشی، گوزن ها، آهوها، ماموت ها و انسانهای عربانی است که با نیزه ها و کمانها با آنها در نبردند؛ تا با کشتار و شکار آنها بزندگی ادا، دهند یا خود غذای بک و عده آنها گردند.

طرز کمپوزیسیون آدمها و حیوانات، انسانهایی که با بدنهای خود خطوط لغزنده عمودی ایجاد میکنند، آرایش صفوف آنها در میان حیواناتی که با کشاقوس افقی خود در حال ستیز و گریزند، کمانهای آدمها، شاخ گوزن ها نیزه های بلند و نازک که با خطوط بران و زبکزاها، لکه های عمودی آدمها و خطهای افقی حیوانات را باهم ارتباط میدهند.

در حقیقت به بک موسیقی بولیفونیک میباند که آهنگ سازهای مختلف را درهم میریزد و بهم می آمیزد تا گوش را بنوازد و دیدگان را در جهانی از لذت فرو برد.

نقوش روی لبه بشقابهای سفالی، گوزنهای استیلیزه، آدمها، ستاره ها و

خورشیدهای سیمبولیزه هندسی با بازی خطوط ولکه‌ها و تداوم شکل‌ها برای چشم ،  
يك موسیقی تزئینی بوجود می‌آورد.

همانطور اگر به کاشاقوس نقش قالی‌ها و رنگ زمينه پارچه‌ها نگاه کنیم  
میتوانیم بخوبی حالتی را که از شنیدن آهنکهای دپوسی در میایم احساس کنیم.

اصولاً اگر هنرهای تصویری را بخوایم خلاصه کنیم هر اثر، از خطها و لکه  
های رنگین مسطح یا برجسته و فرورفته تشکیل یافته است .

خطوط در نقاشی - معماری - مجسمه‌سازی حالتیهای مختلفی را در بیننده بوجود  
آورنده آثار هنری ایجاد میکند.

«آبستراکسیون» خطها ، مخصوصاً در معماری خیلی بیشتر از سایر هنرها از  
دورانهای گذشته تاکنون محسوس بوده است .

ستونهای ستبر معابد

مصری ، سردرهای موزون

با تناسبات انسانی ، معماری

هلنیستیک ، طاقهای منحنی ،

پنجره های پر پیچ و خم و

غنائی معماری بیزانس و

اسلامی ، مخصوصاً دیوار

ها و ستونهایی که مانند خط

سیرتیری در معماری عرفانی

(گوتیک) روح را با چشمها

بآسمانها میکشاند.

تزئین محراب ها ،

شکل ستونها، کنده کاری

طاقها و مخصوصاً ریزش

نورهای الوان از پس

پنجره‌هایی که باشیبه‌های

رنگی ، نقاشیهای مذهبی را

نمایش میدهد.

فضای وسیع کلیسا

ها را چون امواج رنگین

اقیانوسها که در پرتو

خورشید می‌درخشند و



تزئینات يك کلیسای گوتیک ، آوازهای مذهبی

قرون وسطی را باز بگوشها میرساند،

همه‌زوا یا گرایشی بآسمانها دارد.

میرقصند، می آراید .

جائیکه رنگهای تیره شبستانها بوسیله پنجره های مشبك که آسان آبی درخشنده را با شکلهای تزئینی می برد و در يك خط مورب آنرا بروی کاشیهای لاجوردی کف مساجد پالبه های ماریچی هزاره های فیروزه ای مییابد. فضای روشن باغچه ای را با آلاچیقهای زیبا سقف می زند. یعنی تاریکی در فضاهای گسترده و روشن بوجود می آورد.

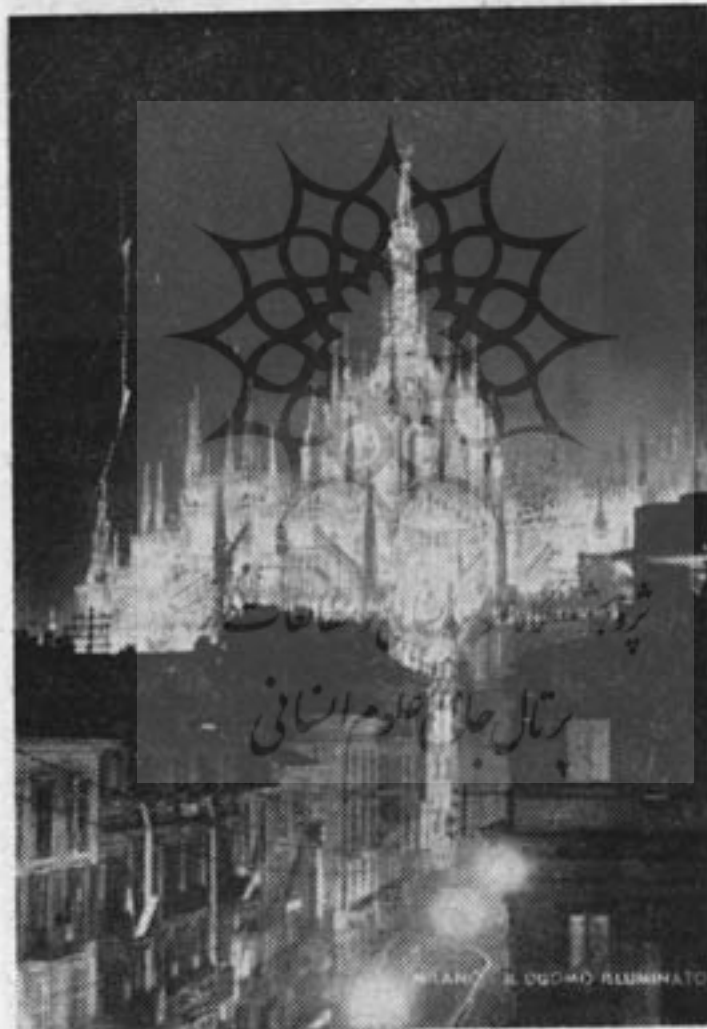
بازی باخطها و رنگها بازی با آهنکهاست.

نقطه های درشت و ریز ، خطهای مستقیم، منحنی، زیگزاك ها، خطهای پهن و نازك و سپس حالتی را که هر نقطه یاخط باهر لکه سیاه یا سفید ایجاد میکند. همچنین لغزندگی، سیال بودن، براقی، جسمیت داشتن ، قوت و ضعف لکه ها، امپرسیون سطوح

عمودی نسبت به افقی -  
قسمتهای بر نسبت بقسمتهای خالی . بخش شکلهای یکنواخت در قسمت های مختلف يك اثر تصویری . مخصوصاً اوج گسترش دادن ( دولوپمان ) به - شکلهای کاملاً میتواند عوامل ساختمان يك آهنك چند صدائی را بیان کند.

در کمپوزیسیونهای مذهبی نقاشان دوره گوتیک میتوان بخوبی حالت کش و ادغام های آواز های کلیسایی را بخاطر آورد.

همچنین میتوان از آهنکهای اسپانیایی و موسیقی فولکلوریک و کلاسیک غربی، تحریرها و تداوم ضربه های مضرب برعود و گیتار، دقت نقش بندی شکلهای هندسی و مقرنس های طاقها و دیوار



کلیسای بزرگ (دومو) در میلان که بابر جستگی ها و کشش ها و ریگزاك ها ریتم جالب توجهی بوجود آورده است

ها و ریزه کاریهای مینیاتورسازان  
این سرزمینها را احساس کرد.

در دوره رمانتیک - قرن نوزدهم  
اروپا - چون اکثر آهنگسازان آثار  
توصیفی بوجود می آوردند، توجه  
آنان بر نغمه آمیزی سازها که هر  
کدام حالت رنگهای مختلفی را با  
نواها و خاص ایجاد میکنند ،  
معطوف گشت.

خاصیت رنگینی هر سازی  
شناخته شد. مثلا فلوت با رنگ  
آبی، سنج، قرمز، ترمپت، زرد،  
ابوا، سبز و کر، قهوه ای معرفی  
گردید.

موسیقی دان مانند نقاش  
چیره دستی بکم رنگ این سازها  
منظره جنگل، طوفان و باران ،  
رعد و برق ، آرامش جنگل بعد  
از طوفان را در نظر بیننده تداعی  
میکرد .

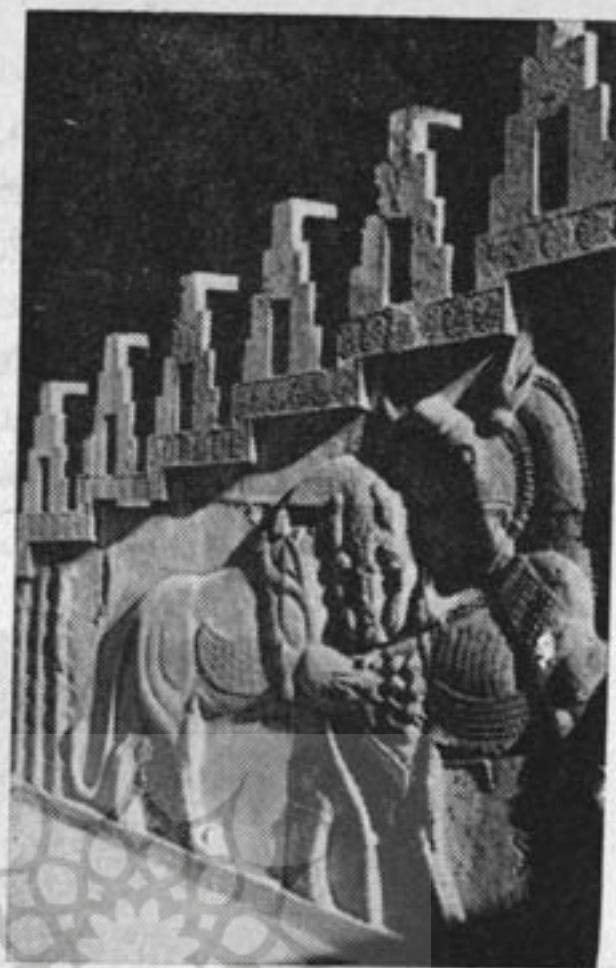
«سنفونی پاستورال» بتهوون  
& «دریاچه قو» ی چایکوسکی و

« شهرزاد » ریسکی کورساکف نه تنها مناظر مختلف طبیعت را با رنگ سازها نقاشی  
میکند بلکه گاهی حالت چهره و کاراکتر قهرمان داستان خود را چون نقاشان چهره -  
نگار توصیف مینمایند.

« اورتور اکمنت » بتهوون یا « برنس ایگور » برودین نیز نمونه های  
خوب این گونه توصیف اند .

« غار فینکال » یک اثر بدیع دورنما سازی با تمام رنگها و پرسبکتیو های  
موجها و صخره هاست.

« دریاچه قو » ی چایکوسکی - « شهرزاد » ریسکی کورساکف نقاشیهای  
«دلاکراوا» را بخوبی زنده میکند ( قتل عام کیو اثر دلاکراوا ) .  
اکثر اصطلاحات از قبیل: ریتم - تنالیته - آکسان - گام - ویراسیون -



پلکانهای تخت جمشید - صف عظیم سربازان  
و ارمغان آورندگان و کنگره پله ها ، ریتم قدمهایی  
را که از روی پله ها به داخل تالارها میروند ،  
تداعی میکنند

دولپمان - دفرماسیون - موتیف - تم - فرم - پرسپکتیو - کمپوزیسیون و آرمونی در نقاشی و موسیقی یکسان مورد استعمال قرار میگیرد.

در مکاتب رمانتیسم، امپرسیونیسم، اکسپرسیونیسم، سوررئالیسم، و آبسترا-کیونیسم با بیای تحولات اجتماعی مردم کشورها و نحوه جهان بینی آنها و همچنین دریافت علمی و فلسفی آنها از زندگی، هنرهای نقاشی و موسیقی پیش رفته اند. در شیوه امپرسیونیست که تحولی غیرقابل انکار در نقاشی بوجود آورد، موسیقی دانها نیز از لحاظ نحوه کار با نقاشان همگام بودند و حتی در مجامع مختلفی که تشکیل میدادند باهم از این مکتب دفاع میکردند. شیوه کمپوزیسیونهای دپوسی، فرمها و موجهای رنگ و مخصوصاً قلم گذاری های نقاشان مانند سرا، رنوار و کلود مونه را تداعی میکند. پس از آن هنگامیکه به دوران معاصر میرسیم. در شیوه های هنر مدرن، اکسپرسیونیسم، سوررئالیسم، سمبولیسم، کوبیسم، و ابستراکیونیسم، نقاشان، مجسمه سازان، و موسیقی دانها، همگام باهم، در جهان هنر بکاوش پرداخته اند. استفاده از رنگها و آهنگهای نامطبوع معمول شده، آرمونیها تغییر یافته، کنتراستها، ضدضربها، شکستن سطحها و خطها، توجه به ریتم در نقاشی تا جائیکه شیوه آبستره ریتمیک بوجود آمده، اوج گرفته است.



ظرفی باستانی که با تکرار موتیفها، ریتم بوجود آمده است.



سئو نه‌ای معبد نی‌تون در تپه آ‌کروپل آ‌تن حماسه پ‌ر اوج سرودهای مذهبی را  
در ذهن‌ها برمی‌انگیزد

در معماری و مجسمه‌سازی نیز تناسبات کلاسیک درهم ریخته شده بابتون مسلح  
اساس توازن قرون گذشته را شکسته ، شکل‌های تازه ساختمان‌های قارچ مانند کروی ،  
بناها و شهرهای جدیدی که طرح‌های آنها را هنرمندان نابغه‌ای چون «لوکوربوزیه»  
و «رایت» تهیه کرده‌اند ساخته شده . حتی احساسات مذهبی پرستشگاه سازی در  
تأثیرات فرم‌های جدید جستجو شده است .

مجسمه‌های فلزی بابدنه‌های مشبک از میان قلب‌های فضا فریاد عصیان میکشند،  
مفتول‌های فلزی فضاها را شکل میدهند، حفره‌ها جای برجستگی‌ها را تسخیر میکنند ،  
پا به پای حجم‌های هندسی شکل‌های اکسپرسیف غیرهندسی و طبیعی توجه مجسمه‌سازان  
را بخود جلب مینماید. ماشینیزم در شکل‌ها تأثیر میگذارد ، « بعدچهارم » (حرکت)  
در نقاشی، مجسمه‌سازی و حتی در معماری خودنمایی میکند و قوس‌های ملایم دوران  
رمانتیک را خطوط مستقیم درهم می‌شکند. گل و بوته‌ها، پیچکها، اسلیمی‌ها از حرکت  
حساب شده در ذهن گذشتگان باز می‌ایستند، ونیمه کلاه حرکت خود را عوض میکنند.  
تداوم‌ها شکسته می‌شود و در این شکستگی‌ها سرکشتگی‌های روح عصیانی  
بشر قرن ما، شکل می‌گیرد، در این شکستگی‌ها «نامطبوع» های یک موسیقی عصبی  
پروسوسه، شنیده می‌شود، انفجار مواد، ریتم‌های یکنواخت ، کشاقوس‌ها را درهم  
میکوبد سپس شعرهای فرم جلوه‌گری میکنند تا باز ، بی‌هنگام گسیخته شوند .

نور چون تیغه شمشیر تاریکی‌ها را دیوانه وار شکاف میزند، چون انتقامجویی  
وحشی که بردشمن دیرینه اش بی‌هنگام دست یافته باشد.

ترکیب ذرات رنگ ، تراکم و از هم پاشیدگی ذرات ماسه. برجستگی های  
بی شکل که در طی زمانهای نامحدود در طبیعت جوانه میزند. ریزش ها، درهم آمیختگی  
ها، انفجارها، شیارها، غلظت ها همه و همه توجه هنرمند تصویرگری را بر ریم های آبستره  
برمی انگیزد. متقابلا تأثیراتی که باله ها و سنفونی های استراوینسکی، راول، سیبلیوس  
و ریشار اشتراوس را ایجاد میکند، در حقیقت بکنوع « روانکاوی » صوتی بشر  
امروز است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی